

ای دو مؤمن موقن ثابت حمد خدا را که از شعله نور هدی سینای دل و جان روشن شد

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۴۴۴

بمبئی

بواسطه جناب آقا میرزا محمود زرقانی علیه بهاء الله الأبهی
جناب دکتور مظهر علی و حضرت سید جنابعلی علیهما بهاء الله الأبهی
ای دو مؤمن موقن ثابت حمد خدا را که از شعله نور هدی سینای دل و جان روشن شد و وادی ایمن زجاجة قلب لمعه
نور و شعله طور گشت لهذا بشکرانه این هدایت کبری و موهبت عظمی بکمال همت بنشر تعالیم الهی پردازید تا روز بروز بر
تأیید و توفیق بیفزائید

در خصوص حرمت نکاح پسر بزوجات پدر مرقوم نموده بودید صراحت اینحکم دلیل بر اباحت دیگران نه مثلاً در قرآن
میفرماید حرم علیکم المیتة و الدّم و لحم الخنزیر دلیل بر آن نیست که خمر حرام نیست انتهی و در الواح سائره بصریح
عبارت مرقوم که در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضا مینماید که از جنس بعید باشد یعنی بین زوجین هرچه بعد بیشتر
سلاله قویتر و خوش سیماتر و صحت و عافیت بهتر گردد و این در فن طب نیز مسلم و محقق است و احکام طیبیه مشروع و
عمل بموجب آن منصوص و فرض لهذا تا تواند انسان باید خویشی بجنس بعید نماید و چون امر بهائی قوت گیرد مطمئن
باشید که ازدواج باقربا نیز نادر الوقوع گردد و در اینخصوص مکاتیب متعدده مرقوم گردیده از جمله مکتوب مفصلی
است چند سال پیش به باد کوبه مرقوم شده آنرا تحریر نمائید بیان مفصل است و قبل از تشکیل بیت عدل این احکام
راجع بمرکز منصوص است

و اما مسئله زنا در الواح الهیه در مسئله فحشا بقدری زجر و عتاب و عقاب مذکور که بحد حصر نیاید که شخص
مرتکب فحشا از درگاه احدیت مطرود و در عالم مردود و در نزد یاران مذموم و نزد عموم بشر مرذول است حتی در
بعضی کلمات بیان خسران مبین و محرومیت ابدی است ولی در قصاص حکومتی و سیاسی چنین امری صادر نه زیرا
حکومت الآن در جمیع دنیا بزانی ابداً تعرض ننوده و نمینماید لهذا محکوم رسوای عالم نگردد این جزا بجهت آن است تا
ردیل و رسوای عالم گردد محض تشهیر است و این اعظم عقوبت است اما بنص قرآن ابداً زنا ثابت نگردد زیرا شهود اربعه



ORIGINAL

در آن واحد باید شهادت بتمکّن تامّ از هر جهت بدهند لهذا جز باقرار زنا ثابت نگردد آیا میتوان نسبت اندک عدم اهمّیت به قرآن داد لا والله فأنصفوا یا اهل الانصاف

و اما مسئله طلاق میتواند شخص بکلی آنچه موافق رأیش هست مجری دارد نهایتش اینست که زوجه را یک سال بی سر و سامان نگذارد و این مثل عدّه است نهایتش اینست که پیش مدّت تکلف نفقه چند ماه بود و حال یک سال است اما اگر جهتین کامل باشند و عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود در فصل تامّ تعجیل نکنند یک سال صبر نمایند شاید آن عوارض زائل گردد و دوباره الفت حاصل شود

اما مسئله موارث این تقسیم در صورتی است که شخص متوفّ وصیتی ننماید آنوقت این تقسیم جاری گردد ولی هر نفسی مکلف بر وصیت است بلکه فرض و واجب است و صریح نصوص الهیه که در حالت صحّت خویش باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خودش هر نوعی که بخواهد وصیت نماید و آن وصیت نامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد در اینصورت شخص متوفّ میدانی واسع دارد که در زمان حیات خود بهر قسمی که میل دارد وصیت نماید تا مجری شود و علیکما البهآء الأبهی

فی ۱۰ اذار ۱۹۱۹